

تو چراغ خود برافروز

گفت‌وگو با زهره درانی، پیش‌ران کار آفرینی که تمرکز خود را روی توانمندی زنان حاشیه شهر گذاشته است

از آن آدم‌هایی است که می‌خواهد ماهی گیری را به دیگران یاد بدهد. نگاهش این است که همه زنان باید توانمند شوند. برای رسیدن به این نگاه که دیگر هدف اصلی زندگی‌اش شده است، تلاش خود را کرده و همت خود را برای توانمندی زنان به خصوص زنان حاشیه شهر گذاشته است و به عنوان کارآفرین پیش‌ران در این مناطق فعالیت می‌کند. این بانوی فعال بیش از بیست سال است که به زنان، هنرهای دستی را رایگان و کم‌بها آموزش می‌دهد و با برگزاری نمایشگاه‌های مختلف، می‌کوشد بازاری ثابت برای صنایع دستی زنان ایجاد کند.



لیلا جان‌فرین



شهربانو

شششنبه
۱۵ شهریور ۱۴۰۱
۹ صفر ۱۴۴۴
شماره ۳۷۵۴

(۴)

+ الگوهای زنده کف اتاق

زهره درانی هنرمندی کارآفرین است که از سیزده سالگی مسیر زندگی خود را انتخاب کرده و تا به امروز روی همان خط حرکت کرده است، مسیری که از خیاطی در خانه و خراب کردن پارچه‌های تعاونی شروع شده و امروز به خلاقیتی رسیده که در آن، زنان هنرمند حاشیه شهر را هم دخیل کرده است. «خیاطی را از سیزده سالگی شروع کردم. تا دلتان بخواهد، پارچه حرام می‌کردم. پدرم ارتشی بود و پارچه‌هایی را که از تعاونی به ما می‌دادند برمی‌داشتم و برای خودم مثلاً خیاطی می‌کردم و یک چیزهایی می‌دوختم. آن زمان پارچه‌ها را کف اتاق پهن می‌کردم. خواهر یا برادرم را روی پارچه می‌خواباندم و دورتادورش را می‌بریدم برایشان لباس می‌دوختم! آن‌ها الگوهای زنده‌ام بودند. چرخ خیاطی نداشتم. هرچه می‌بریدم یا دست می‌دوختم. لباسی از آن درمی‌آمد ولی واقعا من درآوردی بود و رسماً پارچه را خراب کرده بودم. پدرم هیچ وقت من را برای این کارها دعوا نکرد یا مادرم منع نمی‌کرد. همیشه دنبال فرصت بودم که به علت این همراهی از آن‌ها تشکر کنم. همان زمان یک پیراهن برای عروسکم دوختم و تن آن کردم. دخترم که به دنیا آمد، همان لباس را تن او هم کردم. الان می‌خواهم روزی آن را تن نوه‌ام کنم. این پیراهن از اولین کارهای من است.»

+ از کار و تولید

نمی‌ترسم

او خیاطی را دست‌وپا شکسته شروع می‌کند ولی در ادامه، مسیر خود را حرفه‌ای دنبال می‌کند و برای آموزش‌های بیشتر اقدام می‌کند. «زن عمویم خیاطی می‌کرد، البته نه چندان حرفه‌ای، در حد دوخت مقنعه و جادر و این‌طور کارها. پیش او رفتم و چیزهایی یاد گرفتم. نکته مهم در موفقیت این بود که برعکس خیلی‌ها که از قیچی کردن می‌ترسند، من از این کار و تولید نمی‌ترسیدم. همین الان هم اگر مدلی را ببینم، سریع برش می‌زنم و آن قدر بالا و پایین می‌کنم و می‌دوزم و باز می‌کنم تا به یک نتیجه خوب برسم. کم‌کم سرویس آشپزخانه می‌دوختم و در حد جادر رنگی برای همسایه‌ها برش می‌زدم ولی هم‌چنان برای خواهر و برادرهایم لباس می‌دوختم. البته دیگر آن‌ها را کف اتاق دراز نمی‌کردم و بدون الگو برش می‌زدم. این رویه ادامه داشت تا اینکه در هفده سالگی به آموزش شگاه خیاطی رفتم. آن زمان، در دبیرستان رشته گرافیک می‌خواندم و دستی به طراحی را ادامه داشتم ولی می‌خواستم خیاطی را ادامه دهم.»

+ آموزش رایگان برای بانوان حاشیه شهر

این بانوی خلاق خیاطی را در آموزش شگاهی به صورت حرفه‌ای می‌آموزد. همین آموزش باعث می‌شود او سبکی نو در آموزش‌های خود در پیش گیرد. «دوره خیاطی را در آموزش شگاه خیاطی آذر گذراندم و مدرک گرفتم. دوره‌ای را که چهار ماه است دوساله گذراندم، مربی‌ام، خانم علی‌زاده، می‌دید علاقه زیادی دارم. برای همین، بدون هیچ هزینه‌ای خیلی از ریزه کاری‌ها با آموزش‌هایی را که به دوره مربوط نبود به من یاد می‌داد و فوت فن کار را نشانم می‌داد. این رفتار او باعث شد در دوره‌های آموزشی‌ای که خودم برگزار می‌کنم، اضافه بر دوره، چیزهایی را به بچه‌ها آموزش دهم. حتی همین رفتار او انگیزه‌ای شد که به خیلی از علاقه‌مندان، کار را رایگان و با هزینه کم آموزش دهم. در کنار این، برای خانواده‌ها تخفیف‌های ویژه هم می‌گذارم. مثلاً چون پدرم جانباز است، برای خانواده جانبازان و چون برادرم روحانی است، برای خانواده روحانی‌ها تخفیف‌های ویژه در آموزش دارم. این جدا از آموزش‌هایی است که با خودم عهد کرده‌ام به صورت رایگان به خانم‌های حاشیه شهر ارائه دهم، آموزش‌هایی که باعث توانمندی آن‌ها شود.»

